



افلاطون چگونه توانست نامیرایی روح را اثبات کند/ تأثیر افلاطون از فیثاغورس

فیلیپ سیدنی هورکی استاد فلسفه و تاریخ باستان دانشگاه دورهام انگلستان معتقد است: ریاضیات فیثاغورسی به افلاطون کمک کرد تا رهیافت جدیدی به مفاهیم اساسی فلسفه از جمله حیات پیدا کند و به او کمک کرد تا او بتواند ابدی بودن و نامیرایی روح را اثبات کند.

فیلیپ سیدنی هورکی استاد فلسفه و تاریخ باستان دانشگاه دورهام انگلستان معتقد است: ریاضیات فیثاغورسی به افلاطون کمک کرد تا رهیافت جدیدی به مفاهیم اساسی فلسفه از جمله حیات پیدا کند و به او کمک کرد تا او بتواند ابدی بودن و نامیرایی روح را اثبات کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، فیلیپ سیدنی هورکی در کتاب خود با عنوان "افلاطون و مکتب فیثاغورسی" که از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر شده تزی متفاوت در خصوص نقش ریاضیات در پیشرفت فلسفه افلاطون ارائه کرده است.

یکی از پرسشهای مهم در خصوص آرای افلاطون این است که آیا او فیثاغورسی است یا خیر. شاگردان افلاطون و متفکرانی که در آن زمان می زیسته‌اند چنین اعتقاد داشتند که افلاطون متأثر از آرای فیثاغورس است. اما محققان و فیلسوفان بعد از قرن نوزدهم میلادی به چنین دیدگاهی با تردید نگریسته‌اند.

هورکی معتقد است که فلسفه و مکتب فیثاغورسی که به آن ریاضیات فیثاغورسی می‌گویند بر آرای افلاطون تأثیرگذار بوده است. به عبارت دیگر ابعاد اساسی آرای افلاطون و فلسفه او متأثر از ریاضیات فیثاغورسی است.

دکتر فیلیپ سیدنی هورکی فیلیپ سیدنی هورکی استاد فلسفه و تاریخ باستان و مطالعات کلاسیک در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص تأثیرپذیری افلاطون از فیثاغورس گفت: ابتدا باید بگویم که در این کتاب استدلال نکرده‌ام که فیثاغورس پیش‌بینی کرد که اقلیدس روشهای اثبات ریاضی مبتنی بر اصول قیاسی را بسط داده است.

وی افزود: برعکس، در این کتاب استدلال این است که پیروان مکتب ریاضیات فیثاغورسی که به مجموعه علم حساب، ستاره‌شناسی، مبحث الحان موزون اطلاق می‌شود به جای آنکه بر تحقیقات فلسفی مرتبط با وحدت یا تکرر یا ثبات یا تغیر متمرکز باشند بر روی مفهوم "عدد" متمرکز بوده‌اند.

این استاد تاریخ باستان تصریح کرد: این ریاضیات فیثاغورسی به افلاطون کمک کرد تا رهیافت جدیدی به مفاهیم اساسی فلسفه از جمله حیات پیدا کند. البته باید در نظر داشت که افلاطون دانش اثبات ریاضی مبتنی بر قیاس را نداشت و نمی‌دانست.

وی افزود: همین ریاضیات به افلاطون کمک کرد تا او بتواند ابدی بودن و نامیرایی روح را اثبات کند.

وی با اشاره به اینکه هدف از این کتاب مبالغه در مورد فیثاغورس نیست، گفت: همچنین این کتاب نقش مهم فیثاغورس را در تاریخ فلسفه و تاریخ علم نادیده نمی گیرد.

هورکی در پایان تأکید کرد: این کتاب درصدد تبیین آرای فیلسوفان فیثاغورسی است؛ همان کسانی که نقش مهمی در پیشرفت ریاضیات مدرن داشتند.

پیتاگوراس، فیثاغورس یا فیثاغورث (۵۶۹-۵۰۰ پیش از میلاد) فیلسوف و ریاضیدان یونان باستان بود. او نخستین کسی بود که توانست اصول پراکنده‌ای را که ریاضیدانان نخستین عمدتاً با استقرا و آزمون و خطا کشف کرده بودند، بر پایه اصول و براهین قیاسی بنا کند.

فیثاغورس در زادگاه خود مکتب اخوتی (که امروزه برچسب مکتب فیثاغورس بر آن خورده است) را بنیان گذاشت که طرز فکر اشرافی داشت. هدف او از بنیان نهادن این مکتب این بود که بتواند مطالب عالی ریاضیات و مطالبی را تحت عنوان نظریه‌های فیزیکی و اخلاقی تدریس کند و پیشرفت دهد.

شیوه تفکر این مکتب با سنت قدیمی دموکراسی، که در آن زمان بر ساموس حاکم بود، متضاد بود. و چون این مشرب فلسفی با مذاق مردم ساموس خوش نیامد، فیثاغورس به ناچار، زادگاهش را ترک گفت و به سمت شبه جزیره آپنین (از سرزمینهای وابسته به یونان) رفت و در کراتون مقیم شد.